

## سوال

چه کسانی به سبب جهل معذور دانسته می‌شوند؟ آیا انسان در امور فقهی نیز به سبب ندانستن حکمی معذور است؟ یا این مربوط به امور عقیده و توحید است؟ وظیفه‌ی علما درباره‌ی این موارد چیست؟

## پاسخ مفصل

الحمدلله.

ادعای جهل و عذر بر اساس آن نیاز به تفصیل و توضیح دارد؛ هر کس به واسطه‌ی جهل معذور نیست زیرا اموری که اسلام آورده و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آن را برای مردم تبیین نموده و در کتاب الله به وضوح بیان شده و میان مسلمانان منتشر گشته در این موارد ادعای جهل پذیرفته نیست، به ویژه آنچه به عقیده و اصل دین مربوط است، چراکه الله عزوجل پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - را مبعوث نمود تا دین مردم را برایشان واضح سازد و شرح دهد، و ایشان به آشکاری این دین را ابلاغ نموده و حقیقت آن را برایشان واضح ساخته و همه چیز را برای آنان شرح داده و امت را بر راهی سفید ترک نموده که شبش مانند روز آن است. کتاب خدا نیز هدایت و نور است، بنابراین اگر کسی از مردم درباره‌ی چیزی که ضرورتاً از دین معلوم است و میان مردم منتشر است ادعای جهل کند، مانند ادعای ندانستن شرک و عبادت غیر الله، یا ادعای این که نماز واجب نیست، یا روزه‌ی رمضان و زکات واجب نیست، یا اینکه حج در صورت توانایی واجب نیست، از چنین کسی و امثال او که میان مسلمانان زندگی می‌کنند ادعای جهل پذیرفته نمی‌شود، زیرا اینگونه مسائل میان مسلمانان شناخته شده است و ضرورتاً از دین اسلام دانسته شده و میان مسلمانان منتشر است، پس ادعای ندانستن آن پذیرفتنی نیست.

همینطور اگر کسی مدعی شود [حکم] کاری که مشرکان نزد قبور یا بت‌ها انجام می‌دهند مانند صدا زدن مردگان و کمک خواستن از آنان و قربانی و نذر برای آنها یا ذبح حیوانات برای بت‌ها یا جن و ملائکه و پیامبران را نمی‌داند... همه‌ی اینها چیزهایی است که به قطع از دین فهمیده می‌شود و شرک اکبر است. خداوند نیز این‌ها را در کتاب کریم خود آشکارا بیان نموده و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آن را توضیح داده و سیزده سال در مکه و همینطور ده سال در مدینه مردم را از شرک برحذر داشته، و جوب اخلاص عبادت الله به یگانگی را برایشان بیان نموده است، مانند این سخن الله متعال که:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا [اسراء: ۲۳]

(و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را میپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید)

و این قول خداوند متعال که:

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ [فاتحه: ۵]

(تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم)

و می‌فرماید:

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ [بینه: ۵]

(و جز این دستور نیافته بودند که الله را بپرستند در حالی که به توحید گراییده‌اند و دین [خود] را برای او خالص گردانند)

و این سخن الله سبحانه و تعالی که می‌فرماید:

فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (۲) أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ [زمر: ۲ - ۳]

(پس الله را در حالی که دین [خود] را برای او خالص کرده‌ای عبادت کن (۲) آگاه باشید که دین خالص از آن الله است)

قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲) لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ [انعام: ۱۶۲ -

۱۶۳]

(بگو در حقیقت نماز من و قربانی من و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است (۱۶۲) [که] شریکی برای او

نیست و بر این [کار] دستور یافته‌ام و من نخستین مسلمانم)

الله متعال خطاب به پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید:

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ [کوثر: ۱ - ۲]

(ما تو را کوثر (خیر بسیار) عطا نمودیم (۱) پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن)

و می‌فرماید:

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا [جن: ۱۸]

(و مساجد مخصوص الله است، پس هیچ کس را همراه با الله فرا نخوانید)

و می‌فرماید:

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ [مومنون: ۱۱۷]

(و هر کس همراه با الله معبود دیگری بخواند برای آن برهانی نخواهد داشت و حسابش فقط با پروردگار اوست؛ در حقیقت کافران رستگار نمی‌شوند).

همینطور تمسخر دین و طعن وارد ساختن در آن و به ریشخند گرفتن و ناسزای آن که همه‌ی این‌ها از جمله‌ی کفر اکبر است که در مورد آن از کسی ادعای جهل پذیرفته نمی‌شود زیرا به طور واضح از دین معلوم است که ناسزا گفتن به دین یا ناسزا گفتن به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - کفر اکبر است، و همینطور تمسخر و ریشخند. الله متعال می‌فرماید:

قُلْ أَلِ اللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (۶۵) لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ [توبه: ۶۵ - ۶۶]

(بگو آیا الله و آیات او و پیامبرش را به استهزا می‌گرفتید؟ (۶۵) عذر نیاورید شما بعد از ایمانتان کافر شدید).

بنابراین بر علما واجب است هر جا که هستند این را میان مردم منتشر سازند و آشکار کنند تا آنکه عموم مردم هیچ عذری نداشته باشند و چنین مساله‌ی بزرگی میانشان گسترش یابد و تا آنکه تعلق به مردگان و یاری خواستن از آنان را در همه جا ترک گویند، در مصر یا شام یا عراق یا در مدینه نزد قبر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - یا در مکه و دیگر جاها تا حجاج و دیگر مردم هشیار شوند و شرک را از روی بصیرت ترک گویند و تنها خداوند را از روی شناخت عبادت کنند. همینطور کارهایی که نزد قبر بدوی یا حسین - رضی الله عنه - یا نزد قبر شیخ عبدالقادر گیلانی و قبر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در مدینه یا نزد دیگر قبور رخ می‌دهد؛ باید نسبت به این مساله هشدار داد و مردم بدانند که عبادت تنها حق الله است و کسی دیگر در این حق شریک او نیست، چنانکه الله عزوجل می‌فرماید:

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ [بینه: ۵]

(و جز این دستور نیافته بودند که الله را بپرستند در حالی که به توحید گراییده‌اند و دین [خود] را برای او خالص گردانند)

و می‌فرماید:

فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ (۲) أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ [زمر: ۲ - ۳]

(پس الله را در حالی که دین [خود] را برای او خالص کرده‌ای عبادت کن (۲) آگاه باشید که دین پاک از آن الله است)

و همچنین می‌فرماید:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ [اسراء: ۲۳]

(و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را نپرستید).

یعنی پروردگار چنین دستور داده است. بنابراین واجب است که علما در همه‌ی سرزمین‌های اسلامی و در مناطق زندگی اقلیت‌های مسلمان و همه جا توحید پروردگار را به مردم بیاموزند و آنان را نسبت به معنای عبادت الله آشنا سازند و از شرک به خداوند که بزرگترین گناهان است بر حذر دارند. خداوند انس و جن را برای این آفریده که او را عبادت کنند و آنان را به این کار امر نموده و فرموده است:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ [ذاریات: ۵۶]

(و جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا بپرستند)

عبادت پروردگار یعنی طاعت او و طاعت پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - و خالص گرداندن عبادات برای الله و روی آوردن دل‌های به سوی او:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [بقره: ۲۱]

(ای مردم پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است پرستش کنید، باشد که به تقوا گرایید).

اما مسائلی که ممکن است [از برخی مردم] پنهان بماند مانند مسائل مربوط به معاملات و برخی امور نماز و روزه، در این موارد شخص جاهل معذور دانسته می‌شود چنانکه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شخصی را که در جُبه (نوعی لباس) احرام کرده بود و از عطر استفاده کرده بود معذور دانستند و فرمودند: **جبه را از تن در آور و این خوشبویی را بشوی و در عمره‌ی خود چنان کن که در حج انجام می‌دهی** و به سبب جهل وی دستور نداد که فدیة دهد. همینطور در مسائلی که ممکن است پنهان بماند، که در این صورت به شخص جاهل آموزش داده می‌شود. ولی در مورد اصول عقیده و ارکان اسلام و حرام‌های آشکار، ادعای جهل از هیچ مسلمانی پذیرفته نمی‌شود. بنابراین اگر شخصی که میان مسلمانان زندگی می‌کند بگوید من نمی‌دانستم که زنا حرام است، معذور دانسته نمی‌شود، یا بگوید من نمی‌دانستم که بدرفتاری با پدر و مادر حرام است چنین کسی معذور نیست بلکه تنبیه و ادب می‌شود، یا بگوید که من نمی‌دانستم لواط حرام است... زیرا این‌ها اموری است آشکار که [حکم آن] در بین مسلمانان مشهور است.

اما اگر در برخی سرزمین‌های دور از اسلام یا سرزمین‌های دوردست آفریقا باشد که دور و برشان مسلمانی نیست، ممکن است ادعای جهل از آنان پذیرفته شود و اگر بر این حال بمیرند امرشان به الله واگذار است و حکمشان مانند حکم اهل فتره است و قول صحیح این است که در روز قیامت مورد امتحان قرار می‌گیرند؛ اگر استجابت کردند و اطاعت نمودند وارد



بهشت می شوند و اگر سرپیچی کردند وارد آتش می شوند. اما کسی که میان مسلمانان زندگی می کند و اعمال کفرآمیز انجام می دهد و واجبات آشکار را ترک می کند، چنین کسی معذور نیست زیرا قضیه واضح است و مسلمانان الحمدلله موجودند و روزه می گیرند و حج می روند و همه ی اینها میان مسلمانان معروف و منتشر است، پس ادعای جهل در این موارد ادعایی است باطل، والله المستعان.